شدیم مشعل سوزنده تا نپندارند،
چو برق شعله کشیدیم و ناپدید شدیم.

چو آن ستاره که لرزید تا سپیدهٔ صبح
شب سیاه به سر برده، روسفید شدیم.

نه تاج زهره، نه زنار زرنگار زحل،
شراره‌ای که ز افروزه سر کشید، شدیم.

به کام تیره خودکامگان شرار شرنگ
به جام روشن آزادگان نبید شدیم.

به شوق دیدن دریا، در آن رهِ خوش،
چو قطره‌ای که ز ابری فرو چکید، شدیم.

~~[illegible]~~ هزار، ما که شود سایه‌ی پا چلچله‌ها،
~~[illegible] نوید شدیم.~~ گواه ما که پیام‌آور نوید شدیم.

به خشکسار گون‌زار تشنه روییدم
زلال چشمه و گلبوتهٔ امید شدیم.

× × ×

۸ سپتامبر ۱۹۸۸
ژاله